

آزمون مدل علی رابطه ارتباط مؤثر همسران و رابطه والد- فرزند برای آموزش والدین دانش آموزان دوره ابتدایی

دکتر ربابه عطایی فر^۱

دکتر شعله امیری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طرح و تعیین مدل رابطه والد- فرزند با میانجیگری ارتباط مؤثر همسران و با بررسی سبک دلبستگی، ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای ارتباطی و رضایت جنسی همسران انجام شده است. بر این اساس، ۲۶۰ والد و فرزندشان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های الگوی ارتباط همسران، سبک دلبستگی بزرگسالان، مهارت ارتباطی، پنج عامل شخصیت، رضایت جنسی و روابط والد- فرزند بود. در طرح حاضر از تحلیل ماتریس کواریانس استفاده شده است. نتایج نشان داده که الگوهای پیشنهادی از برازش خوبی بهره‌مندند و در رابطه با سازه ارتباط مؤثر همسران در گروه مردان، بیشترین اثر معنادار به ترتیب مربوط به مسئولیت‌پذیری، سازگاری، روان‌رنجورخویی، مهارتهای ارتباطی و دلبستگی اجتنابی مردان و در گروه زنان، مربوط به روان‌رنجورخویی، سازگاری، رضایت جنسی، مهارتهای ارتباطی و دلبستگی ایمن زنان در رابطه همسری است. همچنین در رابطه با سازه رابطه والد- فرزند در گروه پدران، بیشترین اثر معنادار مربوط به سازگاری، دلبستگی اضطرابی و روان‌رنجورخویی پدر و در گروه مادران، مربوط به سازگاری، روان‌رنجورخویی، دلبستگی اضطرابی و رضایت جنسی در مادر است.

کلید واژگان: رابطه والد فرزند، سبک دلبستگی، مهارت ارتباطی، ویژگی شخصیتی، رضایت

جنسی

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۸

Ataefarr@gmail.com

۱. دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان (نویسنده مسئول)

Shole_amiri@yahoo.com

۲. دانشیار روانشناسی، دانشگاه اصفهان

مقدمه

خانواده نخستین محیط اجتماعی است که کودک در آن قدم می‌گذارد و نخستین ارتباط در دنیای ارتباطی کودک، رابطه والد-فرزندی است. احساس عشق و صمیمیت و امنیت مستقیماً ریشه در این ارتباطات دارد (کارنز-هالت^۱، ۲۰۱۲). بهبود تعاملات والد-کودک، یکی از عناصر مهم کمک کننده به ایجاد فضای سالم در خانواده است. فقدان ارتباط با والدین در زندگی کودکان، به فعل و انفعالات والد-فرزندی ضعیف‌تر و سطحی‌تر منجر خواهد شد که سبب بروز مشکلات پیچیده در آینده کودک می‌شود (رانکن^۲، ۲۰۱۲). همچنین براساس نظریه سیستم‌های بوم شناختی^۳ برونفن برنر^۴ رابطه زناشویی، بخشی از ریز نظام (نزدیک‌ترین لایه محیطی به کودک) را می‌سازد. بنابراین هم به طور مستقیم بر عملکرد و رشد کودک و هم به طور غیر مستقیم بر روابط والد-کودک تاثیر می‌گذارد. روابط زناشویی رضایت بخش، سنگ زیرین عملکرد خوب خانواده را بنا می‌نهد، فرزندپروری مؤثر را تسهیل می‌کند و سبب رشد شایستگی، توانایی سازگاری و انطباق در کودکان می‌شود (الیری و ویدر^۵، ۲۰۰۵).

بر پایه دیدگاه اغلب صاحب‌نظران عرصه ازدواج، رابطه همسران^۶ مستلزم برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد است (کاراهان^۷، ۲۰۰۷) چرا که الگوهای ارتباطی ناکارآمد، موجب می‌شوند که مسائل مهم زندگی مشترک، حل نشده باقی بمانند و منبع تعارض تکراری میان همسران شود (ژانگ^۸، ۲۰۰۷). مدلها و نظریه‌های گوناگونی الگوهای ارتباطی زوجین را تبیین می‌کنند که از میان آنها، در این تحقیق به الگوی ارتباطی کریستینسن و سالوی^۹ (۱۹۸۴) می‌پردازیم. آنها سه الگوی سازنده متقابل^{۱۰} (الگوی ارتباط مؤثر^{۱۱})، الگوی اجتنابی متقابل^{۱۲} و الگوی توقع/کناره‌گیری^{۱۳} (الگوی نامؤثر) را معرفی کرده‌اند.

متخصصان خانواده و زوج درمانی همواره در پی درک عوامل پیشاینده و پیش‌بینی‌کننده کیفیت رابطه زناشویی بوده‌اند و از آنجایی که رابطه همسران هم مانند بسیاری از پدیده‌ها چند بعدی

1. Carnes-Holt
2. Runcan
3. Ecological systems theory
4. Bronfenbrenner
5. O'leary & Vidair
6. Spousal communication
7. Karahan
8. Zhang
9. Christensen & Sullaway
10. Mutual constructive communication
11. Mutual effective communication
12. Mutual avoidance of communication
13. demand/withdrawal

است و عوامل گوناگون در به وجود آمدن آن مؤثر است، در این تحقیق به بررسی رابطه سبک دلبستگی^۱، ویژگیهای شخصیتی^۲، مهارتهای ارتباطی^۳ و رضایت جنسی^۴ همسران در رابطه همسری و والدگری خواهیم پرداخت.

یکی از عوامل پیشایند در رابطه زناشویی، ویژگیهای شخصیتی هر یک از زوجین است که بر میزان رضایت خود و همین طور همسرشان از زندگی زناشویی بسیار تاثیرگذار است (دانشگاه ایالتی واشنگتن^۵، ۲۰۰۷). از مهم ترین و بانفوذترین مدل ها در بررسی صفات شخصیت، مدل پنج عاملی بوده است. پنج عامل نیرومند شخصیت که از پیش بینی کننده های مهم روابط میان- فردی محسوب می شوند عبارت اند از روان رنجورخویی^۶، برونگرایی^۷، سازگاری^۸، پذیرا بودن به تجربه^۹ و مسئولیت پذیری^{۱۰} (پروین و جان^{۱۱}، ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۱). افراد با سطوح پایین روان رنجوری، دارای ثبات هیجانی هستند، اما افراد با صفت روان رنجوری بالا، کنترل خوبی بر هیجانات خود ندارند و برخی از آنها عصبی، حساس و نگران هستند. برونگرایان عموماً ماجراجو، اجتماعی و پرحرف هستند در حالی که درونگرایان، کم حرف و خجالتی هستند. افراد با سطوح بالای تجربه پذیری، عموماً دارای علایق وسیعی هستند و تمایل دارند مهارتهای جدید را کسب کنند. صفت سازگاری با مهربانی، همدلی، گرمی و حس همکاری مشخص می شود. افراد ناسازگار، روابط دوستانه ضعیفی دارند. افراد مسئولیت پذیر، دارای اخلاق کاری، نظم و ترتیب هستند و تمایل دارند کارها را به اتمام برسانند (هاکس^{۱۲}، ۲۰۱۲، به نقل از طالع پسند و شهبازی، ۱۳۹۳). به طور کلی تحقیقات، وجود رابطه توافق پذیری، وظیفه شناسی، ثبات هیجانی، برونگرایی و تجربه پذیری با رضایت ارتباط در همسران را نشان می دهد (هالر، واتسون و هایز^{۱۳}، ۲۰۰۴؛

1. Attachment style
2. Personality traits
3. Communication skills
4. Sexual satisfaction
5. Washington State University
6. Neuroticism
7. Extraversion
8. Agreeableness
9. Openness to experience
10. Conscientiousness
11. Parvin & John
12. Hox
13. Heller, Watson & Hies

بارلدز^۱، ۲۰۰۵؛ دیرن فورث، کشی، دونلان و لوکاس^۲، ۲۰۱۰؛ مالوف، تورستاینسون، شوته، بولر و روک^۳، ۲۰۱۰؛ دکوپر، دو بوله و دو فرویت^۴، ۲۰۱۲).

در زمینه تأثیر شخصیت همسران بر رابطه والدگری، رونر^۵ (۱۹۹۱) معتقد است که مکانیسمهای تأثیرگذار بر شخصیت والدین بر پذیرندگی و طردکنندگی آنها نسبت به فرزندان نشان تأثیر می‌گذارد. والدینی که سطوح بیشتری از توافق‌پذیری و برونگرایی و سطوح کمتری از روان رنجوری را نشان می‌دهند، فرزندپروری گرم‌تر و ساختاریافته‌تر دارند. این والدین تعاملات مثبت بیشتری دارند و به اندازه کافی پاسخگو هستند (اسمیت^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). یکی از سازه‌های تحولی-شخصیتی و عاملی مؤثر در تعاملات میان-فردی، سبک دلبستگی است. سبک دلبستگی، در نتیجه روابط فرد با چهره‌های دلبستگی (والدین، همسالان و همسر) شکل می‌گیرد و سهمی بسزا در عملکرد و رابطه زناشویی و شکل‌گیری الگوهای ارتباطی بزرگسالی دارد (بولبی^۷، ۱۹۶۹؛ کرولی^۸، ۲۰۰۶؛ کیمبرلی و بیکر^۹، ۲۰۰۸؛ کوپک و دنیسن^{۱۰}، ۲۰۱۲). هازن، شیور و بردشاو^{۱۱} (۱۹۸۸) در پژوهشهای خود، با مطرح کردن عشق احساسی، تداوم فرآیند دلبستگی را در بزرگسالی تایید کردند و شکل‌گیری شیوه‌های ارتباطی سه‌گانه ایمن^{۱۲}، اجتنابی^{۱۳} (ناایمن^{۱۴}) و اضطرابی^{۱۵} (ناایمن) را که با سه شیوه اصلی دلبستگی دوره کودکی برابری دارند، بررسی نمودند. برخی از تحقیقات به مقایسه سبکهای دلبستگی همسران با رضایت از رابطه زناشویی پرداخته‌اند و نتایج آنها نشان داده است که دلبستگی ایمن، همبستگی مثبت و دلبستگی ناایمن، همبستگی منفی با رضایتمندی در رابطه زناشویی دارد (سیمسون، ۱۹۹۰؛ بانز^{۱۶}، ۲۰۰۴؛ کسکین^{۱۷}، ۲۰۰۸، نیلفروشان، احمدی، فاتحی زاده، عابدی و قاسمی، ۱۳۹۳). بررسیها نشان داده که افراد دارای الگوی عملی درونی ایمن، اجتناب

1. Barelds
2. Dyrenforth, Kashy, Donnellan & Lucas
3. Malouff, Thorsteinsson, Schutte, Bhullar, & Rooke
4. Decuyper, De Bolle & De Fruyt
5. Rohner
6. Smith
7. Bowlby
8. Crowley
9. Kimberly & Baker
10. Koepke & Denissen
11. Hazan, Shaver & Bradshaw
12. Secure
13. Avoidant
14. Insecure
15. Anxious
16. Banes
17. Keskin

پایین در روابط و درگیری بیشتر در ارتباط زوجی دارند (هولست و میلر^۱، ۲۰۰۵). همچنین اغلب همسران دارای سبک اضطرابی، در مورد ارزش خودشان به عنوان یک همسر شک دارند و خودشان را برای فقدان پاسخگری همسرشان سرزنش می کنند (بوگارتز، دالدر، ناپ، کنست و بوشمن^۲، ۲۰۰۸) و همسران دارای سبک دلبستگی اجتنابی، ادعا می کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند (کارداتزکی^۳، ۲۰۰۹؛ اوزمن و اتیک^۴، ۲۰۱۰). از سویی نیز در رابطه والدگری، افراد با سبک دلبستگی ایمن، والدینی گرم، پاسخگو و درگیرتر هستند (وارد و کارلسون^۵، ۱۹۹۵) و بیشتر هیجانات خود را در رابطه شان با کودکان تنظیم می کنند (کسیدی و شیور^۶، ۲۰۰۸) و افراد با سبک دلبستگی اضطرابی، پاسخهای متناقض و غیرقابل اطمینان و نامعتبری به استرس های کودک خود می دهند (میکولینسر^۷ و شیور، ۲۰۰۳) و افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، پاسخهای سازگار اما منفی به کودک می دهند (سرد، غیرصمیمی و از روی خشم) و به طور فعال در برابر ابرازهای منفی نه ابرازهای مثبت کودک، هیجانات منفی و طرد کودک را بروز می دهند (رولس، سیمنسن، بلیکلی، لانیگن و آلن^۸، ۱۹۹۷).

در بررسی رابطه همسران، مهارت های ارتباطی از مهارت های مهمی هستند که نگهدارنده روابط رضایت بخش در میان همسران شناخته شده است (کاستن^۹، ۲۰۰۴). مهارت های ارتباطی، توانایی های اختصاصی هستند که به افراد کمک می کنند تا در پیام هایی که به صورت نمادین به شخص دیگر می رسانند، با کفایت عمل کنند و احساسات مثبت و لذت بخش، در طرف مقابل ایجاد کنند (کارنی و بردبری^{۱۰}، ۲۰۰۰). این مهارتها شامل مهارت های درک پیام های کلامی و غیرکلامی، نظم دهی به هیجانات، گوش دادن، بینش نسبت به فرآیند ارتباط و قاطعیت در ارتباط اند (حسین چاری و فداکار، ۱۳۸۴). زوج های مشکل دار، مهارت های ارتباطی کمتری نسبت به زوج های غیرآشفته نشان می دهند و در بیان افکار و احساسات، مهارت های گوش فرا دادن و حل مشکل از انواع الگوهای منفی و غیرمؤثر برقراری ارتباط بهره می گیرند (والش^{۱۱}، ۱۹۹۸). همچنین رانکن، کونستانتینو، للیچ

1. Hollist & Miller
2. Bogaerts, Dallder, Knnap, Kunst, & Buschman
3. Kardatzke
4. Ozmen & Atik
5. Ward & Carlson
6. Cassidy & Shaver
7. Milkulincer
8. Rholes, Simpson, Blakely, Lanigan & Allen
9. Casten
10. Kareny & Bradbury
11. Walsh

و پوپا^۱ (۲۰۱۲) در تحقیق خود نشان دادند، والدینی که نمره بالایی در متغیرهای تعامل والد-کودک به دست می آورند، مهارت‌های ارتباطی بیشتری دارند مثلاً ترجیح می‌دهند با کودک خود بدون موعظه صحبت کنند، حرف‌هایی را که آزار دهنده است نمی‌گویند، به آنچه کودک می‌گوید، به دقت گوش می‌دهند و کودک را به صحبت کردن و بیان هیجانات و احساساتش تشویق می‌کنند.

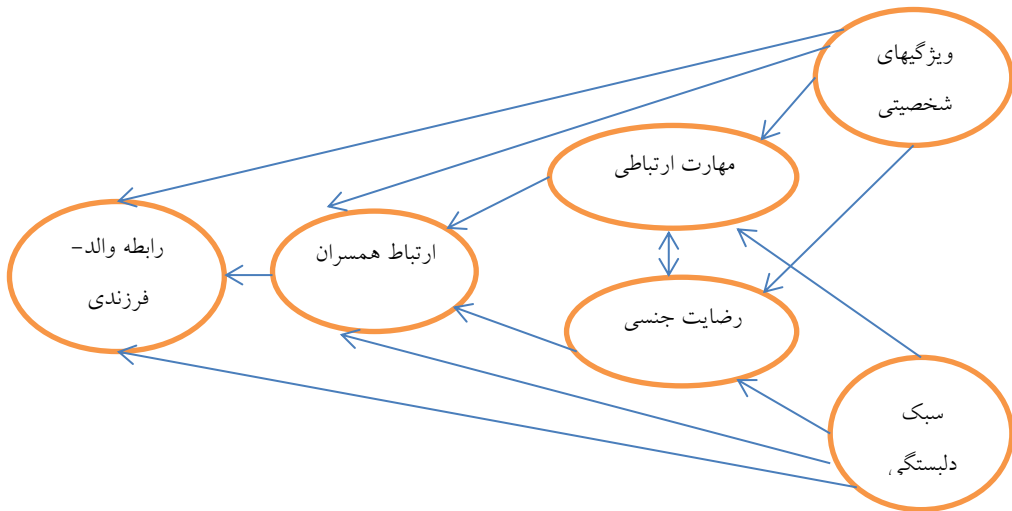
رضایت جنسی، یکی دیگر از شاخصهای مهم ازدواج موفق، بقا و سلامت خانواده به شمار می‌آید و با توجه به میزان رضایت جنسی زوجین، می‌توان میزان تعاملات همسران را شناسایی کرد (باریتوس^۲، ۲۰۰۶). ارتباط مؤثر می‌تواند تحریک جنسی را ارتقا دهد و برای شروع یا امتناع از رابطه جنسی لازم است (اسپرچر و مک کینی^۳، ۱۹۹۳). نارضایتی از رابطه جنسی به اختلالات عمیق در روابط همسران (اولسون، اولسون و لارسون^۴، ترجمه دارینی و نوابی نژاد، ۱۳۹۱) و تعارضات میان همسران (موحد و عزیزی، ۲۰۱۳) منتهی می‌شود. همچنین برای مردان و هم برای زنان، رضایت از رابطه جنسی به طور معناداری با سطح کارکرد خانواده ارتباط دارد (گریف و مالهرب^۵، ۲۰۰۱) و رضایت جنسی بالا، منجر به رابطه بهتر با کودکان و خانواده می‌شود (چی و نورلینگ^۶، ۲۰۰۴).

اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه ارتباط همسران و رابطه والد-فرزندی، از نوع پژوهشهای تجربی و فرضیه‌پردازی بوده است و هنوز مدلها و نظریات تجربی که به خوبی تبیین کننده ارتباط همسران و رابطه والد-فرزندی بر اساس عوامل بنیادین فردی و میان-فردی باشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که خانواده و نوع رابطه والد-فرزندی بر روابط فرزند در اجتماع و محیطهای آموزشی و پرورشی تأثیرگذار است و همچنین عدم رابطه والد-فرزندی مناسب در خانواده، منجر به مشکلات عاطفی، روانی و ارتباطی و حتی شکست تحصیلی فرزندان می‌شود، بنابراین هدف محقق در این پژوهش این بوده است که الگویی در این زمینه تدوین نماید. این بررسی بخشی از سؤالات مهم را درباره رابطه همسران و رابطه والد-فرزندی پاسخگوست. در این زمینه، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

1. Runcan, Constantineanu, Lelics, & Popa
2. Barrientos
3. Spercher & McKinney
4. Olson, D., Olson S. A. & Larson
5. Greeff & Malherbe
6. Ji & Norling

فرضیه ها

۱. بین ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای ارتباطی، سبک دلبستگی و رضایت جنسی همسران با ارتباط همسران و با رابطه والد-فرزندی بر حسب مدل یابی معادلات ساختاری رابطه معنادار مطلوبی وجود دارد.
 ۲. بین ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای ارتباطی، سبک دلبستگی و رضایت جنسی همسران با رابطه والد-فرزندی و میانجیگری ارتباط مؤثر همسران، رابطه معنادار وجود دارد.
- مدل فرضی زیر با توجه به آنچه گفته شد و جمع بندی پیشنهادی تحقیق به دست آمده است.



شکل ۱. مدل پیشنهادی درباره روابط ساختاری میان متغیرها

روش پژوهش

جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری و روش گردآوری داده‌ها

جامعه آماری شامل همه دانش آموزان پایه ششم دبستانهای دخترانه و پسرانه شهر کرج (۲۴۱۹۵ نفر) در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ به همراه والدینشان بوده است، والدین و فرزندان که با هم در یک خانواده زندگی می‌کردند. از آنجا که تعداد فراوان خرده مقیاسهای متغیرهای پژوهش حاضر، سبب افزایش حجم نمونه مطابق با محاسبات می‌شد، بنابراین مطابق با نظر رایکوف و مارکولیدز^۱ (۲۰۰۶)، حداقل حجم نمونه برای مدل‌سازی معادلات ساختاری، چنانچه تعداد محاسبات بر

1. Raykov & Marcoulides

حسب خرده مقیاسها از وضعیت سادگی خارج شود، بایستی حداقل ۲۶۰ نفر باشد. بنابراین نمونه‌ای شامل ۲۶۰ (والد و فرزند) انتخاب شد و با توجه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، نسبت افراد انتخاب شده به این صورت بود که از هر منطقه آموزش و پرورش کرج، به صورت تصادفی یک دبستان دخترانه و یک دبستان پسرانه انتخاب شد و از منطقه ۱، ۳۷ دانش‌آموز (۱۹ دختر و ۱۸ پسر)، از منطقه ۲، ۶۳ دانش‌آموز (۳۳ دختر و ۳۰ پسر)، از منطقه ۳، ۸۰ دانش‌آموز (۴۰ دختر و ۴۰ پسر) و از منطقه ۴، ۸۰ دانش‌آموز (۴۰ دختر و ۴۰ پسر) انتخاب شدند.

ویژگیهای جمعیت شناختی گروه نمونه

کودکانی که به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند، شامل کودکانی بودند که در پایه ششم دبستان تحصیل می‌کردند و با والدینشان زندگی می‌کردند. میانگین سنی کودکان، ۱۲/۵ سال با انحراف معیار ۰/۳۵ بود. توزیع والدین مورد مطالعه بر حسب میانگین سنی (مادران: ۳۷/۵ با انحراف معیار ۴/۲ - پدران: ۴۱/۴ با انحراف معیار ۵/۷)، شمار فرزندان (۶/۵٪ سه فرزند، ۷۷/۷٪ دو فرزند، کمی بیش از ۱۵٪ تک فرزند، یک مورد ۵ فرزند)، مدت ازدواج (۱۰ تا ۱۴ سال: ۴۲/۳٪، ۱۵ تا ۱۹ سال: ۳۶/۵٪، ۲۰ تا ۲۴ سال: ۱۶/۹٪، ۲۵ تا ۲۹ سال: ۳/۸٪، ۳۰ تا ۳۴ سال: ۰/۴٪)، سطح درآمد (درآمد تا ۵۰۰ هزار تومان: ۲/۳٪، درآمد از ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان: ۴۲/۷٪، ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان: ۴۰/۴٪، ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان: ۳/۵٪، ۲ میلیون تومان و بیشتر: ۳/۵٪) و سطح تحصیلات دیپلم: ۷۰٪ مادران - ۶۶/۹٪ پدران، فوق دیپلم: ۷/۳٪ مادران - ۱۰/۴٪ پدران، لیسانس: ۲۰/۴٪ مادران - ۲۰/۸٪ پدران، فوق لیسانس: ۲/۳٪ مادران - ۱/۹٪ پدران بود.

آزمون آماری

بر اساس نوع داده‌های به دست آمده از پژوهش حاضر و با توجه به هدف تحقیق، ابزار آماری تحلیل ماتریس کواریانس (تحلیل مدل معادلات ساختاری) مورد استفاده قرار گرفته است.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه الگوی ارتباط همسران^۱: این پرسشنامه را کریستنسن و سالوی (۱۹۹۱) تهیه کرده‌اند که در آن سه الگوی ارتباط سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل و الگوی توقع/کناره‌گیری در رابطه همسران مطرح شده است. در ایران عبادت پور (۱۳۷۹)، به منظور برآورد روایی این پرسشنامه، همبستگی میان مقیاسهای این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ را محاسبه کرد و نتایج نشان داد که همه مقیاسهای این پرسشنامه با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

همبستگی دارد. ضرایب همبستگی به دست آمده برای خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل ۰/۵۸، ارتباط اجتناب متقابل ۰/۵۸- و ارتباط توقع/کناره‌گیری ۰/۳۵- بود که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار بودند. عبادت پور (۱۳۷۹) پایایی خرده مقیاسهای این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب در مقیاسهای ارتباط سازنده متقابل، اجتناب متقابل و ارتباط توقع زن/کناره‌گیری مرد، ارتباط توقع مرد/کناره‌گیری زن و ارتباط کناره‌گیری/توقع، ۰/۷۰، ۰/۷۱، ۰/۵۱، ۰/۵۲ و ۰/۶۶ برآورد نموده است. میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق برای پرسشنامه ارتباط همسران ۰/۷۸ به دست آمده است.

۲. **پرسشنامه رضایت جنسی:**^۱ این پرسشنامه را لارسون، اندرسن، هولمن و نیمن^۲ (۱۹۹۸) تهیه کرده اند. این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال است و رضایت جنسی را در دو بعد رضایت فیزیکی و رضایت جنسی ارزیابی می‌کند. بعد رضایت فیزیکی، شامل رفتارها و تمایلات جنسی و بعد هیجانی، دربرگیرنده صمیمیت و کیفیت روابط جنسی است. پاسخ هر سؤال، گاهی اوقات (۳)، اکثر اوقات (۴) و همیشه (۵) را در برمی‌گیرد. سؤالات ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۳، ۲، ۱، به صورت مستقیم و بقیه سؤالات، معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در تحقیق لارسون و همکاران (۱۹۹۸)، اعتبار علمی این پرسشنامه را هاریسون و هادسون تایید و اعتماد علمی آن با آزمون مجدد، مورد تایید واقع شد. روایی این پرسشنامه در تحقیق هادسون و همکاران (۱۹۸۱)، به نقل از ویگل و بالارد-رایش^۳ (۱۹۹۹) از طریق روایی تفکیکی محاسبه شد و نتایج نشان داد که مقیاس رضایت جنسی، توانایی تشخیص زوجین دارا و فاقد مشکلات جنسی را دارد. در تحقیق شمس مفرحه، شاه سیاه، محبی و تیرایی (۱۳۸۹) با عنوان "بررسی تاثیر مشاوره زناشویی بر رضایت جنسی زوجین" برای سنجش روایی پرسشنامه رضایت جنسی لارسون و همکاران (۱۹۹۸) از روش روایی صوری و محتوا استفاده شده است. بدین منظور بعد از ترجمه پرسشنامه، ده نفر از اساتید گروه روانشناسی و مامایی آن را بررسی کردند، سپس نظرات اصلاحی آنان در پرسشنامه لحاظ شد. جهت تعیین پایایی پرسشنامه از روش آزمون دوباره با استفاده از ده نفر غیر از نمونه‌های پژوهش استفاده شد و پایایی پرسشنامه با ۹۸ درصد اعتماد، مورد تایید قرار گرفت. میزان ضریب

1. Sexual Satisfaction Scale (SSS)
2. Larson, Anderson, Holman & Niemann
3. Weigel & Ballard-Reisch

قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق برای صمیمیت $0/83$ ، کیفیت روابط جنسی $0/70$ ، تمایلات جنسی $0/78$ ، رفتار جنسی $0/38$ و برای رضایت جنسی $0/86$ به دست آمد.

۳. **پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (NEO-FFI):** این مقیاس که فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدید نظر شده NEO-RI-R است را مک کری و کاستا^۱ (۲۰۰۴) برای ارزیابی سریع پنج عامل اصلی شخصیت طراحی کرده اند. این پرسشنامه، دارای ۶۰ ماده است که پنج بعد شخصیت بهنجار را که عبارت اند از روان رنجورخویی، برونگرایی، گشودگی به تجربه، توافق و وجدانی بودن اندازه گیری می کند. هر بعد شامل ۱۲ ماده است. پاسخ هر سؤال با مقیاس پنج درجه ای لیکرت درجه بندی شده است (۱: کاملاً مخالفم، ۵: کاملاً موافقم). پایایی بازآزمایی دو هفته ای این پرسشنامه بالا بوده و برای ۵ مقیاس از $0/86$ تا $0/90$ گزارش شده است (مک کری و کاستا، ۲۰۰۴). در پژوهشها از ضریب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی این ابزار استفاده شده است. کیامهر (۱۳۸۱) برای ۵ عامل روان رنجورخویی، تجربه پذیری، مسئولیت پذیری، برونگرایی و سازگاری به ترتیب آلفای کرونباخ $0/79$ ، $0/42$ ، $0/77$ ، $0/73$ ، $0/58$ را گزارش داده است.

۴. **پرسشنامه سبکهای دلبستگی بزرگسالان (ECR-R):**^۲ برای سنجش دلبستگی بزرگسالان از فرم تجدیدنظر شده پرسشنامه تجارب شخصی در روابط صمیمانه استفاده شده است که فرالی، والر و برنان^۳ (۲۰۰۰) آن را تدوین کرده اند. این پرسشنامه با کمک ۳۶ ماده در مقیاس ۷ درجه ای لیکرت سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را می سنجد. پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ را فرالی، والر و برنان (۲۰۰۰)، به نقل از پیوسته گر، (۱۳۸۴) برای ۱۸۳ نمونه دانشجو، برای مقیاس دلبستگی ایمن $0/85$ ، اجتنابی $0/82$ و اضطرابی $0/89$ گزارش کرده اند که میزان پایایی بالایی را نشان می دهد. پیوسته گر (۱۳۸۴) به منظور محاسبه روایی آزمون، از روش تحلیل عاملی استفاده کرده است. میزان ضریب اعتماد در این تحقیق برای سبک دلبستگی ایمن $0/65$ ، دلبستگی اضطرابی $0/71$ و دلبستگی اجتنابی $0/72$ به دست آمد.

۵. **پرسشنامه روابط والد-فرزندی:**^۴ نسخه اصلی این پرسشنامه را فاین، مورلند و شوبل^۵ در سال ۱۹۸۳ تهیه کرده اند. این مقیاس دارای خرده مقیاسهای عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط یا

1. McCrae & Costa

2. The Experiences in Close Relationships-Revised (ECR-R) Questionnaire

3. Fraley, Waller & Brennan

4. Parent-Child Relationship Survey (PCRS)

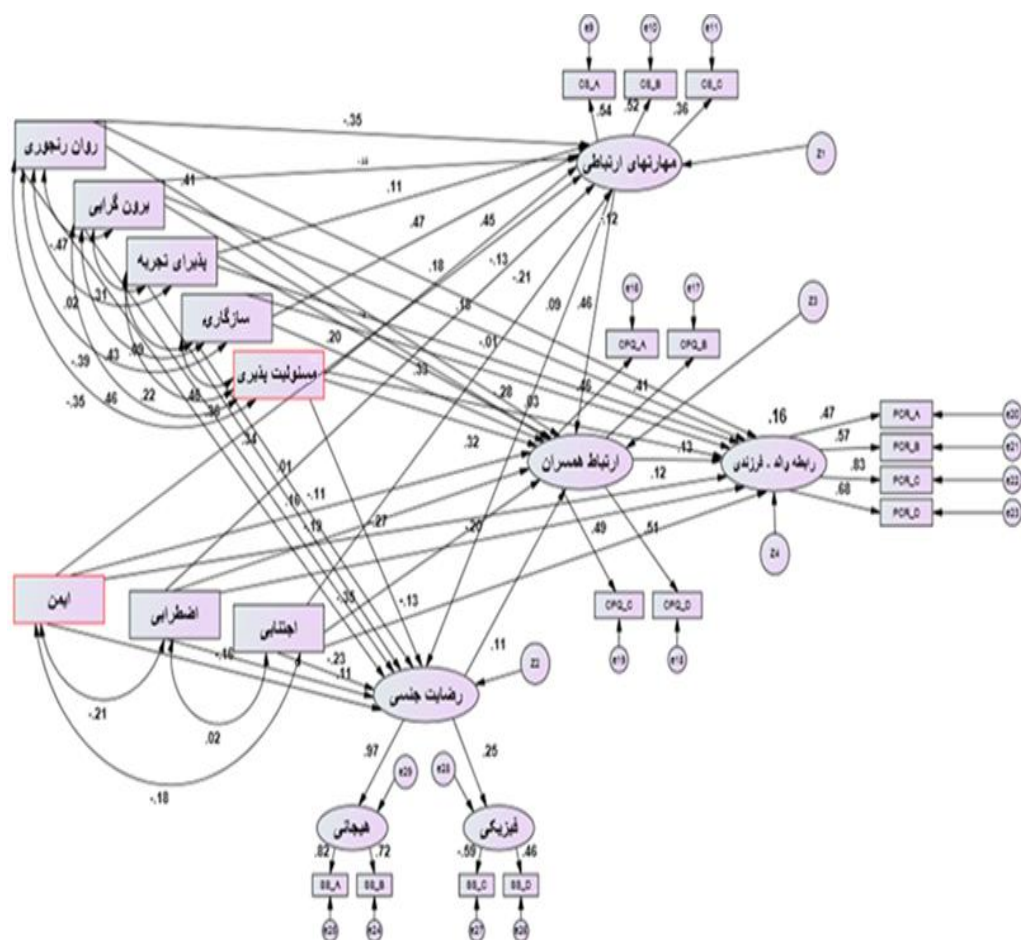
5. Fine, Moreland & Schwebel

گفت و شنود است. پایایی آن با ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای عوامل و با آلفای کلی ۰/۹۶ از همسانی درونی خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹) و روایی آزمون از روایی پیش بین خوبی بهره‌مند است و فرزندان طلاق و یکپارچه را از هم متمایز می‌سازد (ثنایی، ۱۳۷۹). میزان ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق برای عاطفه مثبت ۰/۹۲، آزرده‌گی/سردرگمی نقش ۰/۷۵، گفت و شنود ۰/۷۵، همانندسازی ۰/۷۸ و رابطه والد-فرزندی ۰/۸۸ به‌دست آمد.

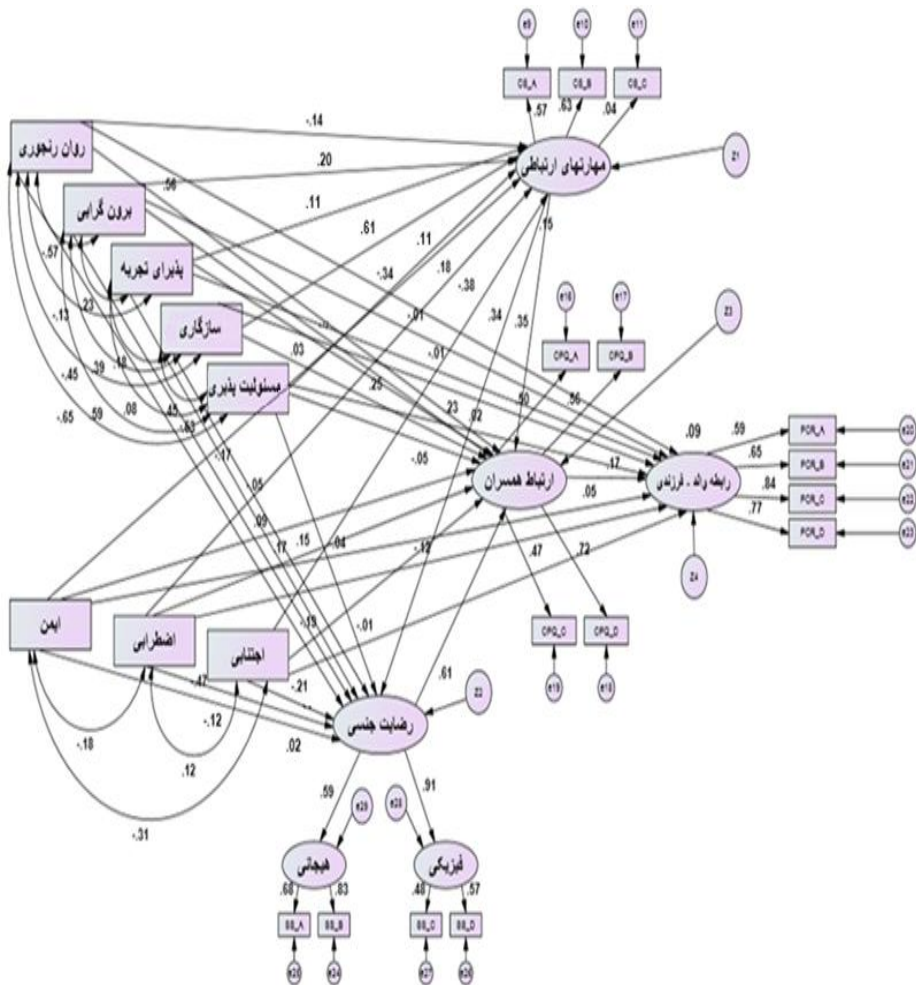
۶. **پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی:** این پرسشنامه را عطارها و کرمی در سال ۱۳۸۹، بر اساس مدل ارتباط میان-فردی هارجی و مارشال (۱۹۸۶) و دیکسون و همکاران (۱۹۹۳) تهیه کرده‌اند. این آزمون سه عامل مدیریت هیجان، ادراک و ابراز وجود در مهارت ارتباطی را مشخص می‌کند. عطارها و کرمی هنجاریابی ایرانی آزمون را با مطالعه روی ۵۱۰ دانش آموز دبیرستانی شهر یزد در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ انجام دادند. پایایی آزمون- باز آزمون در خرده آزمون مدیریت هیجان ۰/۸۸، در خرده آزمون ادراک ۰/۷۹، در ابراز وجود ۰/۷۰ و پایایی کلی آزمون- باز آزمون ۰/۹۰ گزارش شده است. همچنین ضریب آلفای آزمون ۰/۹۲ است که حاکی از پایایی مناسب این آزمون است. به منظور تعیین روایی ملاکی، از همبستگی میان نمره‌های ملاک و پرسشنامه پیش‌بینی‌کننده سازگاری دانش آموزان که دارای تُرم و هنجار در ایران است، استفاده شد. ضریب همبستگی مشاهده شده میان ملاک و پیش‌بین ۰/۴۳ است که در سطح یک هزارم معنادار است. میزان ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ در این تحقیق برای مدیریت هیجان ۰/۶۷، ادراک دیگران ۰/۷۶، ابراز وجود ۰/۷۹ و مهارت‌های ارتباطی ۰/۸۴ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

بعد از اندازه‌گیری سازه‌های اصلی، سازه‌ها مورد آزمون قرار گرفتند. در زیر خروجی مدل اصلی نرم افزار اموس (Amos) برای فرضیات تحقیق ارائه می‌گردد.



شکل ۲. مدل معادله ساختاری برای بررسی روابط سازه‌های پژوهش و مدل تدوین شده (پدران)



شکل ۳. مدل معادله ساختاری برای بررسی روابط سازه‌های پژوهش و مدل تدوین شده (مادران)

جدول ۱. شاخصهای برازش مدلها

شاخصهای ارزیابی کلیت مدل						
هتر ۰/۰۵ Hoelter	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA	شاخص برازش تطبیقی مقصد PCFI	شاخص برازش تطبیقی CFI	درجه آزادی	کای اسکور نسبی CMIN/DF	شاخص
۱۱۵	۰/۰۸۹	۰/۵۰۹	۰/۸۸۳	۱۸۸	۳/۸۲۶	مقدار
۱۲۳	۰/۰۸۷	۰/۵۱۴	۰/۸۹۲	۱۸۸	۳/۱۵۹	مقدار

همان طور که داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، مدلها از برازش مناسبی برخوردارند.

جدول ۲. برآورد استاندارد اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بر ارتباط همسران در مدل معادله ساختاری

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	نوع تأثیر		
		مستقیم	غیرمستقیم	کل
روان‌رنجورخویی	ارتباط همسران	۰/۴۱۰	۰/۱۲۶	۰/۵۳۶
	مادران	۰/۵۳۲	۰/۴۰۱	۰/۹۳۳
پذیرای تجربه	ارتباط همسران	۰/۲۰۲	۰/۰۵۴	۰/۲۵۶
	مادران	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۰۵
برون‌گرایی	ارتباط همسران	۰/۳۳۰	۰/۲۰۸	۰/۵۳۸
	مادران	۰/۲۴۶	۰/۴۳۳	۰/۶۷۹
مسئولیت‌پذیری	ارتباط همسران	۰/۱۸۶	۰/۱۲۴	۰/۳۱۰
	مادران	۰/۱۴۱	۰/۲۱۰	۰/۳۵۱
دلبستگی ایمن	ارتباط همسران	۰/۳۲۰	۰/۲۳۷	۰/۵۵۷
	مادران	۰/۰۸۲	۰/۰۹۱	۰/۰۰۹
دلبستگی اضطرابی	ارتباط همسران	۰/۱۵۹	۰/۰۶۸	۰/۲۲۷
	مادران	۰/۰۹۴	۰/۳۵۱	۰/۴۴۵
دلبستگی اجتنابی	ارتباط همسران	۰/۱۸۶	۰/۰۴۷	۰/۲۳۳
	مادران	۰/۱۷۴	۰/۱۲۷	۰/۳۰۱
رضایت جنسی	ارتباط همسران	۰/۳۵۲	۰/۰۸۰	۰/۴۳۲
	مادران	۰/۱۹۰	۰/۱۸۲	۰/۳۷۲
مهارتهای ارتباطی	ارتباط همسران	۰/۱۰۷	—	۰/۱۰۷
	مادران	۰/۶۱۲	—	۰/۶۱۲
	ارتباط همسران	۰/۴۵۷	۰/۰۰۹	۰/۴۶۶
	مادران	۰/۳۵۱	۰/۲۰۸	۰/۵۵۹

همان طور که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، بیشترین اثرات کل رابطه همسران به ترتیب مربوط به روان رنجورخویی (۰/۹۳۳-)، سازگاری (۰/۶۷۹)، رضایت جنسی (۰/۶۱۲)، مهارتهای

ارتباطی (۰/۵۵۹) و دل‌بستگی ایمن (۰/۴۴۵) است. همچنین در رابطه با سازه رابطه والد-فرزندی، بیشترین اثرات کل به ترتیب مربوط به سازگاری (۰/۴۰۸)، روان‌رنجورخویی (۰/۳۹۸-)، دل‌بستگی اضطرابی (۰/۱۴۱) و رضایت جنسی (۰/۱۰۲) است.

جدول ۳. برآورد استاندارد اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بر رابطه والد-فرزندی در مدل

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	نوع تأثیر		
		مستقیم	غیرمستقیم	کل
روان‌رنجورخویی	رابطه والد-فرزندی	-۰/۱۷۶	-۰/۰۱۶	-۰/۱۹۲
	مادران	-۰/۳۳۱	-۰/۰۶۷	-۰/۳۹۸
برون‌گرایی	رابطه والد-فرزندی	-۰/۱۷۶	-۰/۰۱۵	-۰/۱۹۱
	مادران	-۰/۰۱۵	۰/۰۳۵	۰/۰۲۰
پذیرای تجربه	رابطه والد-فرزندی	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۴
	مادران	-۰/۰۱۱	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۳
سازگاری	رابطه والد-فرزندی	۰/۲۸۱	۰/۰۲۷	۰/۳۰۸
	مادران	۰/۲۳۰	۰/۱۷۸	۰/۴۰۸
مسئولیت‌پذیری	رابطه والد-فرزندی	۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	۰/۰۶۴
	مادران	۰/۰۲۲	-۰/۰۰۸	۰/۰۱۴
دل‌بستگی ایمن	رابطه والد-فرزندی	۰/۱۱۹	۰/۰۰۹	۰/۱۲۸
	مادران	۰/۰۴۵	۰/۰۵۸	۰/۰۹۵
دل‌بستگی اضطرابی	رابطه والد-فرزندی	-۰/۲۰۳	-۰/۰۰۶	-۰/۲۰۹
	مادران	-۰/۱۲۰	-۰/۰۲۱	-۰/۱۴۱
دل‌بستگی اجتنابی	رابطه والد-فرزندی	-۰/۱۲۸	-۰/۰۱۰	-۰/۱۳۸
	مادران	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۰	-۰/۰۳۵
رضایت جنسی	رابطه والد-فرزندی	-	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴
	مادران	-	۰/۱۰۲	۰/۱۰۲
مهارت‌های ارتباطی	رابطه والد-فرزندی	-	۰/۰۶۰	۰/۰۶۰
	مادران	-	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹

همان‌طور که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، در رابطه با سازه رابطه والد-فرزندی، بیشترین اثرات کل در گروه پدران، به ترتیب مربوط به سازگاری (۰/۳۰۸)، دل‌بستگی اضطرابی (۰/۲۰۹-) و روان‌رنجورخویی (۰/۱۹۲-) پدر و در گروه مادران مربوط به سازگاری (۰/۴۰۸)، روان‌رنجورخویی (۰/۳۹۸-)، دل‌بستگی اضطرابی (۰/۱۴۱) و رضایت جنسی مادر (۰/۱۰۲) است.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول تحقیق حاضر در پی طرح مدل رابطه والد- فرزندی با میانجیگری رابطه مؤثر همسران و با بررسی سبک دلبستگی، ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای ارتباطی و رضایت جنسی همسران است. در پژوهش حاضر، شاخصهای نیکویی برازش کلی مدل نشان داد که به طور کلی، مدل با داده‌ها برازش داشت و مدل نظری با داده‌های واقعی تطبیق می‌کرد. در تایید این نتیجه تحقیق، می‌توان به تحقیقات گذشته اشاره کرد که به طراحی مدل در زمینه رابطه همسری پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان به تحقیق شکرکن، خجسته‌مهر، عطاری، حقیقی و شهنی ییلاق (۱۳۸۵) اشاره نمود که به بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوجهای متقاضی طلاق و عادی روی ۶۱ زوج متقاضی طلاق و ۱۰۰ زوج عادی پرداختند. آنها با روش تحلیل ممیز نشان دادند که مدل پژوهش مورد تایید بود. به عبارتی نتیجه گرفتند که می‌توان از روی متغیرهای ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت‌شناختی، موفقیت یا شکست در رابطه زناشویی را پیش‌بینی نمود. همچنین در تحقیق جابری، اعتمادی، جزایری و احمدی (۱۳۹۳) با هدف تعیین عوامل پیش‌بینی کننده صمیمیت زناشویی زنان، این نتیجه به دست آمد که ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای ارتباطی، سبکهای دلبستگی، الگوهای ارتباطی، سبکهای حل تعارض، آسیب شناسی ارتباط با خانواده همسر و سن زنان از عوامل پیش‌بینی کننده صمیمیت زناشویی هستند. نتیجه تحقیق نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۳) با هدف بررسی تاثیر عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی نیز نشان داد که عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی به طور مجزا و مرتبط بر کیفیت رابطه زناشویی تاثیر معنادار دارد و در تبیین کیفیت رابطه زناشویی باید عملکرد هر دو عامل به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد. نتایج تحقیقات بن آری و لاوی^۱ (۲۰۰۵) و وینگاردز دو می و همکاران^۲ (۲۰۰۷) نیز همسو با نتایج تحقیق نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۳) است. در تبیین فرضیه اول تحقیق می‌توان بیان کرد که در مطالعات مربوط به رضایت زناشویی، نظریه‌پردازان صفت، روانکاوی و رفتاری تاکید می‌کنند که هر دو عامل (درون- فردی و میان-فردی) در کیفیت روابط همسران اهمیت دارند (کاگلین، هیوستن و هوتس^۳، ۲۰۰۰). بدین معنی که عوامل درون- فردی

1. Ben-Ari & Lavee

2. Wijngaards-de Meij et al

3. Cauglin, Huston & Houts

ویژگی شخصیت و سبک دلبستگی شریک ازدواج سبب همسانی پایدار و رضایتمندی دوجانبه یا ناپایداری همراه با نارضایتی می‌شود. در رابطه با عوامل میان-فردی (مهارت ارتباطی، رضایت جنسی) مشکل اصلی همسران مسئله‌دار به ناسازگاری همسران برمی‌گردد. بدین صورت که رفتارها به جای پاداش بیشتر تنبیه در پی دارند، چون همسران آشفته در تماس با همسر خود، کنشها و واکنشهای منفی بسیار نشان می‌دهند (پرلین^۱، ۱۹۸۸، به نقل از بنی اسدی، ۱۳۸۴).

فرضیه دوم تحقیق حاضر مبنی بر این بود که میان ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای ارتباطی، سبک دلبستگی و رضایت جنسی همسران با رابطه والد-فرزندی با میانجیگری ارتباط مؤثر همسران، رابطه معنادار وجود دارد. براساس نتیجه پژوهش حاضر، بیشترین اثرات کل بر سازه ارتباط همسران در گروه مردان، به ترتیب مربوط به مسئولیت‌پذیری، سازگاری، روان‌رنجورخویی، مهارتهای ارتباطی و دلبستگی اجتنابی مردان و در گروه زنان، به روان‌رنجورخویی، سازگاری، رضایت جنسی، مهارتهای ارتباطی و دلبستگی ایمن زنان است.

از تحقیقات همسو با یافته پژوهش حاضر در مورد رابطه صفات شخصیت با ارتباط همسران در دو گروه زنان و مردان، می‌توان به تحقیقات بارلدز (۲۰۰۵)، مالوف و همکاران (۲۰۱۰)، امیری و همکاران (۲۰۱۱)، دکوپر و همکاران (۲۰۱۲) و شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۰) اشاره کرد. همچنین نتیجه تحقیق کوکس^۲ (۱۹۹۴)، زاکرمن^۳ (۱۹۹۴)، فینگولد^۴ (۱۹۹۴) و ویزبرگ، وانگ و هیرش^۵ (۲۰۱۱) نشان داد که نوع جنسیت بر صفات شخصیتی تاثیرگذار است. همچنین نتایج پژوهشهای متعددی که همسو با نتیجه تحقیق حاضر بودند، نشان داد که زنان نمرات بالاتری در دو عامل روان‌رنجوری و سازگاری کسب می‌کنند (گئو، وانگ و راکلین^۶، ۱۹۹۵؛ بوداو^۷، ۱۹۹۹؛ کاستا و همکاران، ۲۰۰۱؛ چپمن، دوبرشتاین، سورنسن و لاینس^۸، ۲۰۰۷؛ اشمیت، رئالو، ورسک و آلیک^۹، ۲۰۰۸؛ شکری، کدیور و دانشورپور، ۱۳۸۶) در حالی که مردان نمرات بالاتری در عامل گشودگی به تجربه به‌دست می‌آوردند (گودوین و گوتلیب^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ شکری و همکاران، ۱۳۸۶) که نتیجه

1. Perilman
2. Cox
3. Zuckerman
4. Feingold
5. Weisberg, Wong & Hirsh
6. Guo, Wang & Rocklin
7. Budaev
8. Chapman, Duberstein, Sorensen & Lyness
9. Schmitt, Realo, Voracek & Allik
10. Goodwin & Gotlib

تحقیق حاضر ناهمسو با این یافته بود. از سوی دیگر مرور پژوهشها نشان می‌دهد که نتایج برخی از پژوهشها در زمینه برونگرایی و مسئولیت‌پذیر بودن متناقض بوده است. در برخی پژوهشها (گودوین و گوتلیب، ۲۰۰۴؛ اشمیت و همکاران، ۲۰۰۸) زنان و در برخی دیگر (شکری و همکاران، ۱۳۸۶) مردان نمرات معنادار بالاتری در این دو عامل کسب کردند. در تحقیق حاضر در گروه مردان میان مسئولیت‌پذیری با ارتباط همسران، همبستگی مثبت معنادار وجود داشت ولی در گروه زنان این رابطه به طور معنادار به دست نیامد. در تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت، نتایج مطالعه طولی روی ۳۰۰ زوج و در طی دوره زمانی ۵۰ ساله نشان داد که سطح روان رنجوری هر دو همسر، یک تعیین‌کننده کلیدی کیفیت زناشویی است (وایتفورد^۱، ۲۰۱۰؛ کلی و کانلی^۲، ۱۹۸۷). تحریک‌پذیری و عدم ثبات یا بی‌ثباتی که در افراد روان رنجور وجود دارد، منجر به عصبی و خشمگین شدن سریع در تعاملات میان-فردی آنها می‌شود و تأثیر منفی در روابط زناشویی به جا می‌گذارد (مید^۳، ۲۰۰۵). از لحاظ نظری افراد روان رنجور مستعد داشتن عقاید و افکار غیر منطقی هستند و عقاید غیرمنطقی، توانایی زوجین را برای مقابله با فشارهای روانی، تحلیل می‌برد (کاگلین و همکاران، ۲۰۰۰) و احتمال ناسازگاری را افزایش می‌دهد. زوجین با صفت سازگاری، ادراکهای مثبت‌تری از یکدیگر دارند که منجر به رضایتمندی بیشتر برای آنها می‌شود (مید، ۲۰۰۵). افراد سازگار در روابط میان-فردی به همکاری، اعتماد کردن و حمایت‌کنندگی تمایل دارند و کمتر خود را در تقابل با دیگران می‌بینند (حیدری نژاد، مهرابی زاده هنرمند، داودی و پاینده، ۱۳۹۰). افرادی با ویژگی مسئولیت‌پذیری، به دلیل تعهد شخصی، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند (جارویس^۴، ۲۰۰۶) و روابط را سازنده‌تر اداره می‌کنند (دونلان، کانگر^۵ و برانت^۶، ۲۰۰۴). به طور کلی هر فرد برای رویارویی با شریک زندگی خود، به ساختارهای روانشناختی و ویژگیهای شخصیتی خاصی مجهز است (کملمایر، دنیلسون و باستن^۷، ۲۰۰۵) که با یکپارچه کردن درک فرد از شخصیت خود و شخصیت شریک زندگی اش در رضایت از ارتباط زناشویی مؤثر است (فولر، گومز و گراب^۸، ۲۰۱۴).

1. Whiteford
2. Kelly & Conley
3. Mead
4. Jarvis
5. Conger
6. Bryant
7. Kemmelmeier, Danilson & Basten
8. Fuler, Gomez & Grob

نتایج دیگر پژوهش رابطه مثبت و معنادار میان مهارت‌های ارتباطی همسران و رابطه مؤثر میان همسران نشان داد. از تحقیقات همسو با این یافته تحقیق می‌توان به تحقیقات گاتمن^۱ (۱۹۹۸)، ابراهیمی و جان بزرگی (۱۳۸۷)، آگچی و جنکوز^۲ (۲۰۱۱) و علایی و همکاران (۲۰۱۱) اشاره کرد. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان کرد که مهارت‌های ارتباطی می‌تواند به زوجین در برقراری یک رابطه مؤثر، دو سویه و کارآمد که در جهت رشد و شکوفایی آنان باشد، کمک کند و از ایجاد یا تداوم احساسات مخرب و منفی در طول جریان رابطه بکاهد. از طرفی، همسو با نظریه تبادل اجتماعی، کاملاً بدیهی است که مهارت‌های اجتماعی، در شکل‌گیری و حفظ روابط میان-فردی، بسیار حیاتی هستند. به عبارت دیگر، زوجینی که از مهارت‌های ارتباطی بالاتری برخوردارند، با تقویت تعامل‌های لذت بخش، جاذبه، موفقیت و حفظ رابطه خود را افزایش می‌دهند.

همچنین پژوهش نشان داد که رضایت جنسی همسر زن، عامل دوم مؤثر است که با ارتباط مؤثر همسران، رابطه معناداری دارد. این نتیجه همسو با پیشینه نظری و پژوهش‌های همایی، خیاطان و سلیمی (۱۳۸۷)، برزنیاک و ویسمن^۳ (۲۰۰۴) و بایرز^۴ (۲۰۰۵) است. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان داشت، روابط جنسی شکل دهنده بخشی از ادراک همسران از همدیگر است. ادراکات جنسی با رفتارهایی که موجب تداوم ازدواج می‌شوند، ارتباط مثبت دارد (امیریان زاده، امیریان زاده و امیریان زاده، ۱۳۸۶). همچنین مک کورماک^۵ (۲۰۰۳) بیان می‌کند که خودافشایی احساسی به هنگام رابطه جنسی در زنان بیشتر است که این امر منجر به رضایت جنسی بیشتر آنان می‌شود. امروزه زنان نسبت به گذشته توقعات بیشتری از ارتباط جنسی دارند و روش‌های جلوگیری از بارداری مطمئن و قابل دسترسی سبب شده که جامعه نیز ارضای نیازهای جنسی زنان را بیشتر بپذیرد و زنان بیشتر مجازند که جنبه احساسی خود را کشف کنند و لذت ببرند (گری^۶، ترجمه بای و بای، ۱۳۸۸). در این پژوهش، میان رضایت جنسی همسر مرد با ارتباط مؤثر همسران، رابطه ای معنادار به دست نیامد که این نتیجه با برخی از تحقیقات (لامن^۷، ۱۹۹۴، به نقل از فاتحی‌زاده، مفید، احمدی و اعتمادی) ناهمسو بود. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان داشت که رضایت زناشویی و زیرمقیاس‌های آن از جمله رضایت جنسی، وابسته به دو فردی است که با هم در روابط زناشویی

1. Gottman
2. Egeci & Gencoz
3. Brezsnayak & Whisman
4. Byers
5. MacCormack
6. Gray
7. Laumann

قرار می‌گیرند و رضایت یا عدم رضایت در زن و مرد بیش از آنکه متأثر از جنس باشد، از بافت زناشویی آنها تأثیر می‌پذیرد. بنابراین بافت زناشویی نمونه تحقیق حاضر، علت ایجاد این نتیجه گردیده است و احتمال دیگر در این زمینه، می‌تواند عدم تمایل ذاتی گروه مردان نسبت به زنان از فاش کردن واقعیتهای زندگی زناشویی، به ویژه در زمینه روابط جنسی باشد که منجر به این نتیجه شده است. احتمال دیگر می‌تواند انتخاب نمونه از شهر کرج باشد که شهری مهاجرپذیر با تنوع فرهنگی است.

نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی مردان و سبک دلبستگی ایمن زنان، بیشترین رابطه معنادار را در رابطه مؤثر همسران دارد. در تایید این نتیجه که سبک دلبستگی ایمن با افزایش و سبک دلبستگی اجتنابی با کاهش توافق همسران رابطه دارد، می‌توان به تحقیقات سیمسون (۱۹۹۰)، کارنلی، پیترمونکو و جف^۱ (۱۹۹۴)، فینی، نولر و کالان^۲ (۱۹۹۴)، بانز^۳ (۲۰۰۴)، اگسی و جنکوز (۲۰۱۱)، عیدی و خانجانی (۱۳۸۵)، رجایی، نیری و صداقتی (۱۳۸۶) و نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت، به طور کلی تعارض کمتر، رضایت و ثبات بیشتر و دوره طولانی‌تر در روابط رومانتیک را افراد دلبسته ایمن، بیشتر از افراد ناایمن تجربه می‌کنند (اشمیت، ۲۰۰۵). سبک دلبستگی ناایمن، سبب می‌شود که افراد تجربیات ارتباط رومانتیک خود را منفی ببینند (ساوردا، چپمن و راج^۳، ۲۰۱۰) و الگوهای مخربی از تعارض و فقدان مذاکره را در گفتگوهای خود نشان دهند (فینی و همکاران، ۱۹۹۴). در تایید این نتیجه که از میان سبکهای دلبستگی، سبک دلبستگی اجتنابی مردان و سبک دلبستگی ایمن زنان، بیشترین رابطه معنادار را در رابطه مؤثر همسران نشان داد، می‌توان به نتیجه تحقیق رجایی و همکاران (۱۳۸۶) اشاره کرد که در پژوهش خود با بررسی رابطه میان سبکهای دلبستگی با رضایتمندی زناشویی با انتخاب ۱۵۹ نفر (۸۱ زن و ۷۸ مرد) دبیر متاهل مقاطع راهنمایی و دبیرستان شهر تایباد، به این نتیجه رسیدند که در گروه دارای سبک دلبستگی اجتنابی، درصد مردان، بیشتر از زنان و در گروه دارای سبک دلبستگی ایمن، درصد زنان، بیشتر از مردان بود. همچنین نتیجه تحقیق پوررحیمی و شاکر (۱۳۹۱) و صادق مقدم، عسگری، معروضی، شمس و طهماسبی (۱۳۸۵) نیز نشان داد که زنان نسبت به مردان، در سبک دلبستگی ایمن و مردان نسبت به زنان، در سبک دلبستگی اجتنابی میانگین نمرات بالاتری داشتند. از تحقیقات ناهمسو با این نتیجه تحقیق می‌توان

1. Carnelly, Pietromonaco, & Jaffe
2. Feeney, Noller & Callan
3. Saaverda, Chapman & Rogge

به تحقیق حمیدی (۱۳۸۶) روی ۶۲ دانشجوی متاهل رشته‌های دبیری اشاره کرد که میان سبک دلبستگی زنان و مردان تفاوتی وجود نداشت. در تبیین این یافته تحقیق می‌توان بیان داشت که با توجه به اینکه فرآیند رشد الگوهای کاری درونی در میان دو جنس متفاوت است، پس به نظر می‌رسد میان دو جنس در سبک دلبستگی نیز تفاوت وجود داشته باشد.

براساس نتایج پژوهش در رابطه با سازه والد-فرزند، بیشترین اثرات کل به ترتیب مربوط به سازگاری، دلبستگی اضطرابی و روان‌رنجورخویی پدران و سازگاری، روان‌رنجورخویی، دلبستگی اضطرابی و رضایت جنسی مادران است. از یافته‌های همسو با این نتیجه تحقیق که میان سازگاری و روان‌رنجوری والدین و رابطه والد فرزند رابطه معنادار وجود دارد، می‌توان به تحقیق یزدخواستی و قاسمی (۱۳۹۰) و رونر (۱۹۹۱) اشاره کرد. در تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت که مطالعات نشان می‌دهد، از میان پنج عامل شخصیتی، سه عامل روان‌رنجوری، سازگاری و مسئولیت‌پذیری، از برجسته‌ترین عوامل در تحقیقات مرتبط با شخصیت هستند که با فرزندپروری نیز ارتباط دارند (کلارک، کوچانسکا و ردی^۱، ۲۰۰۰). شخصیت در تعامل با استرسها و منابع حمایتی محیط، ظرفیت والدین را برای مراقبت و بهبود رشد کودکان تعیین می‌کند (بلسکی^۲، ۱۹۸۴) و در این میان والدینی که روان‌رنجوری بیشتر و سازگاری کمتر دارند، پریشانی، بی‌قراری و عصبانیت بیشتری نشان می‌دهند و ارتباط صمیمانه کمتری با کودکان خود دارند (پریزی^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). در مقابل والدینی که سازگاری و برونگرایی بیشتر و روان‌رنجوری کمتر نشان می‌دهند، فرزندپروری گرم‌تر و ساختاریافته‌تری دارند، تعاملات مثبت بیشتری نشان می‌دهند، به اندازه کافی پاسخگو هستند و محیطی که در آن کودکانشان را تربیت می‌کنند، ساختاریافته‌تر و باثبات‌تر است (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷؛ کارمن، ون توئل، ون آکن و دکوویچ^۴، ۲۰۰۸).

نتیجه دیگر تحقیق این بود که سبک دلبستگی اضطرابی پدر و مادر با رابطه والد-فرزند رابطه معنادار و منفی داشت. از تحقیقات همسو با این نتیجه که میان سبک دلبستگی والدین با رابطه والد-فرزند وجود دارد، می‌توان به تحقیقات روهلز و همکاران (۱۹۹۷) و فینی (۲۰۰۲) اشاره کرد. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که تحقیقات نشان می‌دهد سبک دلبستگی والد با کیفیت مراقبت از کودک رابطه دارد (کرول و فلدمن^۵، ۱۹۸۹) که در این میان والدینی با سبک

1. Clark, Kochanska & Ready

2. Belsky

3. Prinzle

4. Karreman, van Tuijl, van Aken & Deković

5. Crowell & Feldman

دلبستگی اضطرابی، پاسخهای متناقض و غیرقابل اطمینان و نامعتبر به استرسهای کودک خود می‌دهند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۳). والدینی با سبک دلبستگی ناایمن، کمتر هیجانات خود را در رابطه والدگری نشان می‌دهند و پاسخگویی و مدیریت کمتری در برابر هیجانات منفی کودک خود نشان می‌دهند (کسیدی و شیور، ۲۰۰۸). حتی در بافتهای سازگار (لیونتی^۱، ۲۰۱۴؛ استیل^۲ و همکاران، ۲۰۰۸) که همه اینها منجر به ضعف در رابطه والد-فرزند می‌شود. همچنین کروز، بیزمن و براسلاوسکی^۳ (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که زنان دارای دلبستگی ایمن یا اجتنابی، بیشتر ممکن است از عهده نقش متعارض در مقابل فرزندشان برآیند در حالی که زنان اضطرابی از رفتار واکنشی استفاده می‌کنند. بیشتر تحقیقات مطرح شده در این زمینه، به نقش رابطه سبک دلبستگی والدین یا سبک دلبستگی مادران با رابطه والد-فرزند پرداخته اند و به طور مجزا به نقش دلبستگی پدر با رابطه والد-فرزند پرداخته اند و در این زمینه تحقیقی یافت نشده است، بنابراین بررسی آن در تحقیقات آینده ضرورت می‌یابد. در نهایت نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که تنها در گروه مادران، رابطه رضایت جنسی با رابطه والد-فرزند، مثبت و معنادار است. تحقیقی که همسو یا ناهمسو با این نتیجه تحقیق باشد، پیدا نشده است، در نتیجه بررسی رابطه رضایت جنسی والدین با کیفیت رابطه والد-فرزند در تحقیقات آینده ضروری به نظر می‌رسد. در تبیین این یافته تحقیق می‌توان بیان کرد که در گروه پدران، این احتمال وجود دارد که به دلیل عدم تمایل ذاتی گروه مردان نسبت به زنان در فاش کردن واقعیت‌های زندگی زناشویی، به ویژه در مبحث روابط جنسی، میزان رابطه رضایت جنسی پدر با رابطه والد-فرزند معنادار به دست نیامده باشد. احتمال دیگر اینکه انتخاب نمونه از شهر کرج به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی، منجر به این نتیجه شده باشد. به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که رضایت جنسی بالای والدین، منجر به رابطه بهتر با کودکان و خانواده می‌شود (چی و نورلینگ، ۲۰۰۴). به نظر می‌رسد چنانچه والدین از رابطه جنسی خود رضایت داشته باشند، روابطی مناسب‌تر با فرزندشان برقرار می‌کنند.

از محدودیت‌های پژوهش این بود که پژوهشهای مبتنی بر مدلیابی معادلات ساختاری، نیاز به سؤالات و پرسشنامه‌های بسیار دارد که مسئولیت تکمیل آنها به دوش آزمودنیها گذاشته می‌شود که در برخی موارد، هیچ گونه انگیزه یا الزامی در تکمیل آنها ندارند، لذا حجم بالای سؤالات و خستگی ناشی از تکمیل آنها و علاقه به پاسخ گویی نیز می‌تواند تا حدی بر نتایج پژوهش اثر

1. Lionetti

2. Steele

3. Krousz, Bizman & Braslavsky

بگذارد. همچنین محدود بودن پژوهش به مدارس شهر کرج، تعمیم نتایج پژوهش را به دیگر استانها با احتیاط مواجه کرده است.

پیشنهادهای کاربردی

براساس نتایج پژوهش حاضر توانمندی افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، در برقراری روابط میان- شخصی سالم تر در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی نا ایمن بیشتر است، بنابراین این یافته‌ها اهمیت و نقش سبکهای دلبستگی را در حیطه روابط میان- شخصی برجسته می‌سازد. از این رو فراهم کننده زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری دلبستگی ایمن در چارچوب روابط والد- کودک نیز است. بنابراین می‌توان گفت که نتایج این پژوهش با برجسته کردن نقش دلبستگی در ازدواج می‌تواند به روان‌شناسان و مشاوران خانواده در تبیین فرآیند همسرگزینی و دریافت علل جدایی یا صمیمیت میان همسران یاری رساند. همچنین از طریق افزایش مهارت همسران در ابعاد مسائل جنسی، می‌توان میزان سازگاری زناشویی آنها را افزایش داد و با توجه به برنامه‌های آموزشی و مشاوره خانواده به ویژه در زمینه آموزش مسائل جنسی به زوجین برای افزایش رضایت زناشویی آنها و در نتیجه قوام و دوام خانواده ها کمک کرد. پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین، در حل تعارض و رفع مشکلات زناشویی و افزایش رابطه مؤثر همسران در برنامه‌های آموزش خانواده و کلینیک‌های مشاوره گنجانده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود روان‌شناسان و مشاوران ازدواج، بررسی دقیق‌تری از صفات شخصیتی همسران در شکل‌گیری روابط آینده همسران را در مشاوره قبل از ازدواج در نظر بگیرند. در نهایت لحاظ نمودن تمام موارد گفته شده، منجر به بهبود رابطه همسران و در پی آن رابطه مؤثر والدین با فرزندان می‌گردد. همچنین برگزاری دوره‌های آموزش خانواده که در پی آموزش مهارت‌های زندگی، مانند مهارت ارتباط مؤثر به والدین است، در ایجاد رابطه مؤثر میان همسران و والدین با فرزندان، ضرورت دارد.

منابع

- ابراهیمی، ابوالفضل و جان بزرگی، مسعود. (۱۳۸۷). رابطه مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی. *فصلنامه روانشناسی در تعامل با دین*، ۱ (۲)، ۱۶۵-۱۷۶.
- امیریان زاده، منصوره؛ امیریان زاده، مؤگان؛ و امیریان زاده، مؤده. (۱۳۸۶). بررسی برخی از متغیرهای مرتبط با لذت جنسی در زنان شهر شیراز. در: *چکیده مقالات دومین کنگره آسیب شناختی خانواده*، دانشگاه شهید بهشتی، ۲۵-۲۷.
- اولسون، دیوید اچ؛ اولسون-سیگ، ایمی و لارسون، پتر جی. (۲۰۰۸). *بازبینی روابط همسران*، (ترجمه مهرنوش دارینی و شکوه نوایی نژاد). چاپ اول. تهران: دانژه.
- بنی اسدی، ح. (۱۳۸۴). بررسی اثر پاره‌ای از عوامل مؤثر فردی - اجتماعی بر سازگاری زناشویی. *مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ویژه‌نامه علوم تربیتی و روان‌شناسی، (۳۹)، ۷-۲۵.
- پروین، لارنس و جان، البور پی. (۱۳۸۱). *شخصیت: نظریه و پژوهش*، (ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور). چاپ دوم. تهران: آبیژ.
- پوررحیمی، مریم و شاکر، علی. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین بر اساس باورهای غیرمنطقی و کمال‌گرایی و نوع سبک دلبستگی. *فصلنامه تحقیقات روانشناختی*، ۴ (۱۴)، ۱۱-۲۵.
- پیوسته‌گر، مهرانگیز. (۱۳۸۴). *پیش‌بینی اختلالات دلبستگی کودکان با سبک دلبستگی والدین*. رساله دکتری رشته روانشناسی، تهران، دانشگاه الزهرا.
- ثناپی ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس سنجش خانواده*. تهران: بعثت.
- جابری، سمیه؛ اعتمادی، عذرا؛ جزایری، رضوان السادات و احمدی، سید احمد. (۱۳۹۳). تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان. *مطالعات زن و خانواده*، ۲ (۱)، ۲۵-۵۲.
- حسین چاری، مسعود و فداکار، محمد مهدی. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر دانشگاه بر مهارت‌های ارتباطی بر اساس مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان. *مجله دانشور رفتار*، ۱۲ (۱۵)، ۲۱-۳۳.
- حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۹ (۳)، ۴۴۳-۴۵۴.
- حیدری نژاد، صدیقه؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ داودی، ایران و پاینده، مهرانگیز. (۱۳۹۰). ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مدیریت تعارض مدیران تربیت بدنی خوزستان. *مجله روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۲ (۵)، ۵۶-۷۴.
- رجایی، علیرضا؛ نیری، مهدی و صداقتی، شیرین. (۱۳۸۶). رابطه بین سبک‌های مختلف دلبستگی با رضایتمندی زناشویی. *روانشناسان ایرانی*، ۳ (۱۲)، ۳۴۷-۳۵۶.
- شاهمردی، سمیه؛ فاتحی زاده، مریم و احمدی، احمد. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوج‌ها. *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۲ (۱)، ۳۳-۴۴.
- شکرکن، حسین؛ خجسته‌مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال و شهنی ییلاق، منیجه. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بینی‌های

- موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوجهای متقاضی طلاق و عادی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳ (۱)، ۳۰-۱.
- شکری، امید؛ کدیور، پروین و دانشورپور، زهره. (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی‌های شخصیت. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۱۳ (۳)، ۲۸۹-۲۸۰.
- شمس مفرحه، زهرا؛ شاه سیاه، مرضیه؛ محبی، سیامک و تبرایی، یاسر. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر مشاوره زناشویی بر رضایت جنسی زوجین شهر شیراز. *مجله تحقیقات نظام سلامت*، ۶ (۳)، ۴۱۷-۴۲۴.
- صادق مقدم، لیلا؛ عسگری، فریبا؛ معروضی، پرویز؛ شمس، هدایت الله و طهماسبی، سیمین. (۱۳۸۵). میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار و همسران آنها در شهر گناباد. *مجله افق دانش*، *مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی گناباد*، ۱۲ (۶۲)، ۵۷-۲.
- طالع پسند، سیاوش و شهبازی، جمشید. (۱۳۹۳). تفاوت‌های جنسیتی در ویژگیهای شخصیتی هنرمندان. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۳ (۶)، ۱۱۳-۱۲۵.
- عبادت پور، بهناز. (۱۳۷۹). *هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۱۳۷۹-۱۳۷۸*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- عطارها، نعیمه و کرمی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). *مهارتهای ارتباطی*. تهران: روانسنجی.
- عیدی، رقیه و خانجانی، زینب. (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۱ (۲ و ۳)، ۱۷۵-۲۰۱.
- فاتحی زاده، مریم؛ مفید، وحیده؛ احمدی، احمد و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۳). مقایسه میزان تاثیر مشاوره شناختی- رفتاری و مشاوره راه حل مدار بر رضایت جنسی زنان در اصفهان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۵ (۳)، ۶۷-۸۳.
- کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی گرایش سنجش و اندازه گیری. تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- گری، جان. (۱۹۵۱). *مریخ و ونوس در اتاق خواب*، (ترجمه روح الله بای و فاطمه بای، ۱۳۸۸). تهران: دانژه.
- نیلفروشان، پریسا؛ احمدی، سید احمد؛ فاتحی زاده، مریم؛ عابدی، محمدرضا و قاسمی، وحید. (۱۳۹۳). تاثیر همزمان عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴ (۳)، ۴۷۴-۵۰۶.
- همایی، رضا؛ خیاطان، فلور؛ و سلیمی، مهدی. (۱۳۸۷). تاثیرپذیری زندگی زناشویی از روابط جنسی. در چکیده *مقالات سومین کنگره آسیب شناختی خانواده*، دانشگاه شهید بهشتی، ۴۰۲-۴۰۳.
- یزدخواستی، فریبا و قاسمی، سحر. (۱۳۹۰). رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان توسط آنها. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۷ (۱۲)، ۱۳۱-۱۴۴.

Alayi, Z., AhmadiGatab, T., & Babaei Zad Khamen, A. (2011). Relation between communication skills and marital adaptability among university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1959-1963.

- Amiri, M., Farhoodi, F., Abdolvand, N., & Rezaie Bidakhavidi, A. (2011). A study of the relationship between big-five personality traits and communication styles with marital satisfaction of married students majoring in public universities of Tehran. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 685-689.
- Banes, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(2), 273-282.
- Barelds, D. P. H. (2005). Self and partner personality in intimate relationships. *European Journal of Personality*, 19(6), 501-518.
- Barrientos, J. E. (2006). Psychological variables of sexual satisfaction in Chile. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 32(5), 351-368.
- Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Child Development*, 55(1), 83-96.
- Ben-Ari, A., & Lavee, Y. (2005). Dyadic characteristics of individual attributes: Attachment, neuroticism, and their relation to marital quality and closeness. *The American Journal of Orthopsychiatry*, 75(4), 621-631.
- Bogaerts, S., Dallder, A. L., Van der Knaap, L. M. V., Kunst, M. J., & Buschman, J. (2008). Critical incident, adult attachment style, and posttraumatic stress disorder: A comparison of three groups of security workers. *Social Behavior and Personality*, 36(8), 1063-1072.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss, Vol. 1: Attachment*. New York, NY: Basic Books.
- Brezsnyak, M., & Whisman, M.A. (2004). Sexual desire and relationship functioning: The effects of marital satisfaction and power. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 30(3), 199-217.
- Bronfenbrenner, U. (1995). The biological model from a life course perspective: Relations of the participant observer. In P. Moen, G.H. Elder, Jr. & K. Luscher (Eds.), *Examining lives in context* (pp. 599-618). Washington, DC: American Psychological Association.
- Budaev, S.V. (1999). Sex differences in the big five personality factors: Testing an evolutionary hypothesis. *Personality and Individual Differences*, 26, 801-813.
- Byers, E.S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *Journal of Sex Research*, 42(2), 113-118.
- Carnelly, K. B., Pietromonaco, P. R., & Jaffe, K. (1994). Depression, working models of others, and relationship functioning. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66(1), 127-140.
- Carnes-Holt, K. (2012). Child-parent relationship therapy for adoptive families. *The Family Journal*, 20(4), 419-426.
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. (Eds.) (2008). *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical application* (2nd ed.). New York, NY: Guilford Press.
- Casten, K. M. (2004). *Marital functioning and communication in a clinical sample of social anxiety disorder clients*. Doctoral dissertation, Drexel University, Philadelphia, PA. Dissertation Abstracts International, 65, 1B.
- Cauglin, J. P., Huston, T. L., & Houts, R. M. (2000). How does personality matter in

- marriage? An examination of trait anxiety, interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality & Social Psychology*, 78(2), 326-336.
- Chapman, B. P., Duberstein, P. R., Sörensen, S., & Lyness, J. M. (2007). Gender differences in five factor model personality traits in an elderly cohort: Extension of robust and surprising findings to an older generation. *Personality and Individual Differences*, 43(6), 1594-1603.
- Christensen, A., & Sullaway, M. (1984). *Communication patterns questionnaire*. Unpublished manuscript, University of California, Los Angeles.
- Clark, L.A., Kochanska, G., & Ready R. (2000). Mothers' personality and its interaction with child temperament as predictors of parenting behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79(2), 274-285.
- Costa, P. J., Terracciano, A., & McCrae, R. R. (2001). Gender differences in Personality traits across cultures: Robust and surprising findings. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81(2), 322-331.
- Cox, R. H. (1994). *Sport psychology: Concepts and applications*. Madison: Brown & Benchmark.
- Crowell, J. A., & Feldman, S. (1989). Assessment of mothers' working models of relationships: Some clinical implications. *Infant Mental Health Journal*, 10(3), 173-184.
- Crowley, A. K. (2006). *The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction*. Doctoral thesis. Texas A & M University.
- Decuyper, M., De Bolle, M., & De Fruyt, F. (2012). Personality similarity, perceptual accuracy, and relationship satisfaction in dating and married couples. *Personal Relationships*, 19(1), 128-145.
- Donnellane, M. B., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2004). The big five and enduring marriage. *Journal of Research in Personality*, 38, 481-504.
- Dyrenforth, P. S., Kashy, D. A., Donnellan, M. B., & Lucas, R. E. (2010). Predicting relationship and life satisfaction from personality in nationally representative samples from three countries: The relative importance of actor, partner, and similarity effects. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99(4), 690-702.
- Egeci, I.S., & Gencoz, T. (2011). The effects of attachment styles, problem-solving skills, and communication skills on relationship satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 2324-2329.
- Feeney, J.A. (2002). Attachment, marital interaction and relationship satisfaction: A diary study. *Personal Relationship*, 9, 39-55.
- Feeney, J. A., Noller, P., & Callan, V. J. (1994). Attachment style, communication, and satisfaction in the early years of marriage. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *Advances in personal relationships: Vol. 5. Attachment processes in adulthood* (269-308). London: Jessica Kingsley.
- Feingold, A. (1994). Gender differences in personality: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 116(3), 429-456.
- Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. (1983). Long-term effects of divorce on

- parent-child relationships. *Developmental Psychology*, 19(5), 703-713.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(2), 350-365.
- Fuler, K., Gomez, V., & Grob, A. (2014). Personality perceptions and relationship satisfaction in couples. *Journal of Research in Personality*, 50, 33-41.
- Goodwin, R. D., & Gotlib, I. H. (2004). Gender differences in depression: Role of personality factors. *Psychiatry Research*, 126(2), 135-142.
- Gottman, J. M. (1998). Psychology and the study of marital processes. *Annual Review of Psychology*, 49, 169-197.
- Greeff, A. P., & Malherbe, H. L. (2001). Intimacy and marital satisfaction in spouses. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 27(3), 247- 257.
- Guo, S., Wang, X., & Rocklin, T. (1995). *Sex differences in personality: A meta-analysis based on big five factors*. Paper presented at the Annual meeting of the American Educational Research Association (San Francisco, CA, April 18-22, 1995).
- Heller, D., Watson, D., & Hies, R. (2004). The role of person versus situation in life satisfaction: A critical examination. *Psychological Bulletin*, 130(4), 574-600.
- Hollist, C. S., & Miller, R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54(1), 46-57.
- Jarvis, M. O. (2006). *The long-term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage*. Unpublished doctoral dissertation, The University of Texas.
- Ji, J., & Norling, A. M. (2004). Sexual satisfaction of married urban Chinese. *Journal of Developing Societies*, 20(1-2), 21-38.
- Karahan, T. F. (2007). The effects of a couple communication program on conflict tendency among married passive couples. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 7(2), 845-858.
- Kardatzke, K. N. (2009). *Perceived stress, adult attachment, dyadic coping and marital satisfaction of counseling graduate students*. Unpublished doctoral dissertation, University of North Carolina at Greensboro.
- Kareny, B. P., & Bradbury, T. N. (2000). Attributions in marriage: State or trait? A growth curve analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(2), 295-309.
- Karreman, A., van Tuijl, C., van Aken, M. A. G., & Deković, M. (2008). The relation between parental personality and observed parenting: The moderating role of preschoolers' effortful control. *Personality and Individual Differences*, 44(3), 723-734.
- Kelly, E. L., & Conley, J. J. (1987). Personality and compatibility: A prospective analysis of marital stability and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(1), 27- 40.
- Kemmelmeier, M., Danilson, C., & Basten, J. (2005). What's in a grade? Academic success and political orientation. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(10), 1386-1399.

- Keskin, G. (2008). Relationship between mental health, parental attitude and attachment style in adolescence. *Annual Journal of Psychiatry*, 9(3), 139-147.
- Kimberly, R. A., & Baker, A.T. (2008). Attachment styles, alcohol, and childhood experiences of abuse: An analysis of physical violence in dating couples. *Violence and Victims*, 23, 52-65.
- Koepke, S., & Denissen, J. J. A. (2012). Dynamics of identity development and separation-individuation in parent-child relationships during adolescence and emerging adulthood—a conceptual integration. *Developmental Review*, 32, 67-88.
- Krausz, M.A., Bizman, A., & Braslavsky, D. (2001). Effects of attachment style on preferences for and satisfaction with different employment contract. *Journal of Business and Psychology*, 16(2), 299-316.
- Larson, J. H., Anderson, S. M., Holman, T. B., & Niemann, B. K. (1998). A longitudinal study of the effects of premarital communication, relationship stability and self-esteem on sexual satisfaction in the first year of marriage. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 24(3), 193-206.
- Lionetti, F. (2014). What promotes secure attachment in early adoption? The protective roles of infants' temperament and adoptive parents' attachment. *Attachment and Human Development*, 16(6), 573-589.
- MacCormack, T. (2003). *Experiencing couple therapy: An evaluative investigation of client /therapist perceptions of selected emotion-focused sessions*. Doctoral dissertation, Ottawa University.
- Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The five-factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44 (1), 124-127.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (2004). A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and Individual Differences*, 36, 587-596.
- Mead, N.L. (2005). *Personality predictors of relationship satisfaction among engaged and married couples: An analysis of actor and partner effects*. MSc. thesis, Brigham Young University, Provo.
- Milkulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 35, pp. 53-152). New York: Academic Press.
- O'leary, S. G., & Vidair, H B. (2005). Marital adjustment, child-rearing disagreements, and overreactive parenting: Predicting child behavior problems. *Journal of Family Psychology*, 19(2), 208-216.
- Ozmen, O., & Atik, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5, 367-371.
- Prinzle, P., Stams, G.J., Deković, M., Reijntjes, H.A., & Belsky, J., (2009). The relations between parents' Big Five personality factors and parenting: A meta-analytic review. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97(2), 351-362.
- Raykov, T., & Marcoulides, G. A. (2006). *A first course in structural equation modeling* (2nd ed.). Mahwah, N.J: Erlbaum.

- Rholes, W. S., Simpson, J. A., Blakely, B. S., Lanigan, L., & Allen, E. A. (1997). Adult attachment styles, the desire to have children, and working models of parenthood. *Journal of Personality*, 65(2), 357-385.
- Rohner, R.P. (1991). *Handbook for the study of parental acceptance and rejection*. Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Runcan, P. L. (2012). The time factor: Does it influence the parent-child relationship? *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33(1), 11-14.
- Runcan, P. L., Constantineanu, C., Lelics, B., & Popa, D. (2012). The role communication in the parent-child interaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 904-908.
- Saaverda, M.C., Chapman, K.E., & Rogge, R.D. (2010). Clarifying links between attachment and relationship quality: Hostile conflict and mindfulness as moderators. *Journal of Family Psychology*, 24(4), 380-390.
- Schmitt, D. P. (2005). Is short-term mating the maladaptive result of insecure attachment? A test of competing evolutionary perspectives. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20(10), 1-23.
- Schmitt, D. P., Realo, A., Voracek, M., & Allik, J. (2008). Why can't a man be more like a woman? Sex differences in big five personality traits across 55 cultures. *Journal of Personality and Social Psychology*, 94(1), 168-182.
- Shaver, P. R., Hazan, C., & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In R. J. Stenberg, & M. Barnes (Eds.), *The psychology of love* (pp.68-99). New Haven, CT: Yale University Press.
- Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(5), 971-980.
- Smith, C. L., Spinrad, T. L., Eisenberg, N., Gaertner, B. M., Popp, T., K., & Maxon, E. (2007). Maternal Personality: Longitudinal relations to parenting behavior and maternal emotional expressions toward toddlers. *Parenting: Journal of Science and Practice*, 7(3), 305-329.
- Sprecher, S., & McKinney, K. (1993). Sexuality. In A. Weber & J. Harvey (Eds.), *Perspectives on close relationships* (pp. 193-210). Boston: Allyn & Bacon.
- Steele, M., Hodges, J., Kaniuk, J., Steele, H., Hillman, S., & Asquith, K. (2008). Forecasting outcomes in previously maltreated children. The use of the AAI in a longitudinal adoption study. In H. Steele, & M. Steele (Eds.), *Clinical applications of the Adult Attachment Interview* (pp. 427-451). New York, NY: Guilford Press.
- Walsh, F. (1998). *Strengthening family resilience*. New York: Guilford Press.
- Ward, M. J., & Carlson, E. A. (1995). Associations among adult attachment representations, maternal sensitivity, and infant-mother attachment in a sample of adolescent mothers. *Child Development*, 66(1), 69-79.
- Washington State University. (2007, January 17). Spouse's personality may be hazardous to your health. *Science Daily*. Retrieved October 18, 2016 from www.sciencedaily.com/releases/2007/01/070116211634.htm
- Weigel, D.J., & Ballard-Reisch, D.S. (1999). How couples maintain marriage: A closer look at self and spouse influences upon the use of maintenance behaviors in marriages. *Journal of Family Relation*, 48(3), 263-269.

- Weisberg, Y. J., DeYoung, C. G., & Hirsh, J. (2011). Gender differences in personality across the ten aspects of the big five. *Frontiers in Psychology*, 2(AUG), [Article 178]. DOI: 10.3389/fpsyg.2011.00178
- Whiteford, N. R. T. (2010). *Neuroticism, marital interaction, and relationship satisfaction: An exploration of affect mediation*. Doctoral dissertation, University of Colorado at Boulder.
- Wijngaards-de Meij, L., Stroebe, M., Schut, H., Stroebe, W., van den Bout, J., van der Heijden, P., & Dijkstra, I. (2007). Neuroticism and attachment insecurity as predictors of bereavement outcome. *Journal of Research in Personality*, 41(2), 498-505.
- Zhang, Q. (2007). Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent-child relationships. *Communication Quarterly*, 55(1), 113-128.
- Zuckerman, M. (1994). *Behavioral expressions and biosocial bases of sensation seeking*. New York: Cambridge University Press.

